




Discourse Analysis of Political Haram in the Thought of Ayatollah Khamenei

Bahram Akhavan kazemi

Professor of Political Science. Shiraz University. Shiraz.iran.


kazemi@shiraz.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Jafar Moradian

phd student in political science. Shiraz University. Shiraz.iran, (Corresponding author).


jafar.moradian@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

Ghasem Amini

phd student in political science. Shiraz University. Shiraz.iran.

gh.amini2013@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

During the speech of Ayatollah Khamenei on April 4, 2023, a new concept called "Political Haram" was introduced and developed within the Iranian intellectual literature. This research seeks to understand the meaning of this concept, its connection to the societal context, and the speaker's intent in the social application of this linguistic strategy. The research question is: What is the concept of Political Haram, and what is the context and background that led to the creation of this concept? Using a critical approach and providing evidence and examples, this study aims to prove the assumption that Political Haram, in the thought of Ayatollah Khamenei, is defined based on Islamic principles, Sharia objectives, and national interests. It serves as an ethical and legal mechanism to expand and strengthen a monotheistic society and facilitate the implementation of Sharia within society. The research approach is based on Fairclough's Critical Discourse Analysis (CDA) and is summarized in three stages: the descriptive stage, the discursive practice stage, and the social practice stage. The results indicate that Political Haram, in Ayatollah Khamenei's thought, is a critical discourse that is meaningfully connected to other discourses such as political Islam, jurisprudential Islam, and republicanism. It is associated with signifiers such as a monotheistic society, enjoining good and forbidding evil, freedom, security, national interests, and national identity. Furthermore, this conceptualization is used to address internal and external challenges and threats.

Keywords: Political Haram, Ayatollah Khamenei, Fairclough's Critical Discourse Analysis, Sharia Objectives.



مقاله پژوهشی

تبیین تحلیل گفتمانی حرام سیاسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

بهرام اخوان کاظمی

استاد علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

kazemi@shiraz.ac.ir

0000-0000-0000-0000

جعفر مرادیان

دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).

jafar.moradiyan@yahoo.com

0000-0000-0000-0000

قاسم امینی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

gh.amini2013@gmail.com

0000-0000-0000-0000

چکیده:

طی سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۵، مفهوم جدیدی در سپهر اندیشه‌ای ایران به نام «حرام سیاسی» ابداع و تولید شد. پژوهش حاضر در پی فهم معنایی و ارتباط آن با بستر جامعه و مراد گوینده در کاربست اجتماعی این راهبرد زبانی است. سؤال پژوهش حاضر این است که مفهوم حرام سیاسی و بستر و بافت پدیدآورنده این مفهوم چیست؟ بنابر این با استفاده از رویکرد انتقادی و با ارائه مستندات و ذکر شواهد، سعی شده این مفروض اثبات گردد که حرام سیاسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای بر اساس اصول و مقاصد شرعی و منافع ملی تعریف می‌شود و به‌عنوان یک مکانیسم اخلاقی و قانونی جهت بسط و تقویت جامعه توحیدی و تسهیل‌کننده اجرای شریعت در بطن جامعه می‌باشد. رویکرد پژوهشی حاضر بر مبنای تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف و در سه مرحله جمع‌بندی گردیده است: مرحله «توصیف»، مرحله «پرکتیس گفتمانی» و مرحله «پرکتیس اجتماعی». نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حرام سیاسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای یک گفتمان انتقادی است که با گفتمان‌های دیگر مانند اسلام سیاسی یا فقه‌پرهیزی و جمهوریت ارتباط معناداری دارد و با دال‌هایی همچون جامعه توحیدی، امر به معروف و نهی از منکر، آزادی، امنیت، منافع ملی و هویت ملی مرتبط است؛ همچنین از این مفهوم‌سازی برای مقابله با چالش‌ها و تهدیدهای داخلی و خارجی استفاده می‌شود.

واژگان اصلی: حرام سیاسی، آیت‌الله خامنه‌ای، گفتمان انتقادی فرکلاف، مقاصد شرعی.

دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0

Doi: 10.22034/irsj.2025.434661.1031

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسنده‌گان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

در تاریخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۵ طی سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به برخی نافرمانی‌های مدنی و اجتماعی که در قالب بی‌حجابی در ایران گسترش یافته بود، موضوعاتی را بیان فرمودند که یکی از موضوعات مهم این بیانات این بود که بی‌حجابی در بستر اجتماع، یک حرام سیاسی می‌باشد. در سپهر سیاسی، اجتماعی و فقهی جامعه ایران، این اولین بار بود که از این راهبرد زبانی استفاده شده است. در جامعه علمی نیز این مفهوم ناشناخته و درک صحیحی از آن ارائه نگردیده است و برای اهالی سیاست موضوعی گنگ و مبهم می‌باشد. برخی از پژوهشگران در واکنش به ابداع این موضوع، مبنای درستی برای استفاده واژه حرام در کنار سیاست قائل نیستند و آن را استفاده از اصطلاحات شرعی و فقهی در امور عرفی و غیرشرعی می‌دانند. از منظر این دسته از محققین برای اینکه یک عمل حرام شرعی باشد، باید از منابع شرعی مانند قرآن، سنت، اجماع و عقل استنباط شود و برای مکلفین الزام‌آور باشد؛ اما برای اینکه یک عمل حرام سیاسی باشد، باید از منابع سیاسی مانند قانون، اساسنامه، بیانیه و ... استنباط شود و برای شهروندان الزام‌آور باشد؛ این دیدگاه که بر اساس فهم حداقلی دینی شکل گرفته معتقد است، اصولاً فقه سیاسی را بی‌اعتبار و ناکارآمد می‌داند. چون احکام سیاسی زمانی و مکانی‌اند و بسیاری از احکام شرعی موضوعیت خود را از دست می‌دهند (حقیقت، ۱۴۰۱). برخی فقهای دینی، فقه را جامع‌تر از سیاست می‌دانند و فقه سیاسی را بخشی از فقه عمومی تلقی می‌کنند و با توجه به اینکه رسالت و اهداف دینی تنها با بیان تعالیم و احکام لازم برای سعادت انسان‌ها محقق نمی‌شود، بلکه به اجرای آن‌ها نیز بستگی دارد. از این رو تأسیس حکومت به‌عنوان ابزاری برای اجرای شریعت یکی از ابعاد و شئون رسالت پیامبر بوده و در عصر غیبت نیز افرادی که از سوی امامان نصب شده‌اند که همان فقهای جامع‌الشرایط‌اند، حق حکمرانی و صدور فرمان را دارند (حقیقت، ۱۴۰۱). بنابراین ابداع راهبردهای زبانی به‌تبع حقی که برای حکمران در نگاه حداکثری قائل می‌باشند دارای مشروعیت می‌باشد. این گروه به مسائلی چون حکومت، امامت، خلافت، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، صلح، همکاری با حاکمان، روابط با دیگر کشورها و ... می‌پردازند و بر همین مبنا و استدلال فقهی می‌توان حرام سیاسی را در اصول و مقاصد شریعت جست و معتقدند که شریعت اسلامی نه تنها به مسائل فردی و اخلاقی، بلکه به مسائل اجتماعی و سیاسی نیز پرداخته است (ایزدهی، ۱۳۹۴) و هر آنچه موجب اختلال نظام اسلامی شود، حرام و آنچه لازمه حفظ نظام

باشد، واجب است. از جمله فقهای سیاسی که دیدگاه دوم را پذیرفته‌اند؛ مانند آیت‌الله سید محمدباقر صدر (ذاکری، ۱۳۷۶)، شهید مطهری، آیت‌الله محمدتقی بهجت، آیت‌الله محمد مهدی شمس‌الدین، آیت‌الله محمدحسین فضل‌الله و آیت‌الله علی سیستانی را می‌توان نام برد (محصل و دیگران، ۱۳۹۴).

حال با توجه به نزاع گفتمانی مطرح در مورد حرام سیاسی از منظر فقها و اندیشمندان، پژوهش حاضر در صدد آن است که با توجه به رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی که یکی از کاربردهای آن تحلیل متون و سخنرانی‌ها در تبیین مفاهیم است، به تحلیل مفهوم حرام سیاسی و نسبت آن با اندیشه رهبری پردازد و همچنین تأثیرات آن را بر جامعه بررسی نماید.

البته این امر یعنی آفرینش واژگان که بار فقهی و سیاسی داشته باشند موضوع جدیدی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نیست. همواره در منظومه فکری ایشان که هم مدیریت کلان سیاسی یک کشور را بر عهده دارد و هم به‌عنوان یک اندیشمند سیاسی مطرح می‌باشد، سعی در تولید مفاهیم و بازسازی واژگانی برای تولید گفتمان مد نظرشان بوده است. نمونه‌های متعددی از این مصادره به مطلوب، به بازسازی مفاهیم حول واژگان در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای را در طول این چند دهه مشاهده نموده‌ایم؛ از جمله دموکراسی که در بازتعریف گفتمانی رهبری به واژه مردم‌سالاری دینی تعبیر شد. البته همواره در رویکرد اسلامی ما شاهد این مفهوم‌سازی‌ها بوده‌ایم مثلاً در صدر اسلام، پیامبر - با توجه به جایگاه کعبه که محل قرار دادن و پرستش بت‌ها بود - با استفاده از تبیین گفتمان انتقادی کعبه را به مکانی روحانی و امن برای مسلمانان تبدیل نمود. حال با توجه به مقدمه ارائه شده این نیاز وجود دارد که به مفهوم واژه جدید حرام سیاسی و ابعاد شناختی آن در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته شود.

حرام سیاسی برگرفته شده از دو واژه «حرام» که مفهومی فقهی است و «سیاست» که به دامنه حکمرانی مربوط می‌شود تشکیل شده است و هرکدام از این دو واژه نیز به حوزه خاص علمی اشاره دارد. در لغت‌نامه دهخدا ریشه واژه حرام (ح رم) ذکر شده به معنی منع کردن. (دهخدا، ۱۳۷۴). در اصطلاح فقهی کلمه حرام در کنار چهار حکم فقهی دیگر یعنی واجب، حلال، مکروه و مستحب، احکام پنج‌گانه عملی در اسلام را شکل می‌دهند. شخص مکلف در صورت انجام فعل حرام، گناهکار محسوب می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵). در ابعاد اجتماعی نیز واژه حرام کارایی خود را دارد و برخی اندیشمندان به حرام‌هایی در ابعاد

اجتماعی نیز پرداخته‌اند؛ شهید مطهری معتقدند احکام عملی اسلام بر اساس مصالح و مفاسد واقعی شکل گرفته‌اند و هر کاری که انجامش مفسده داشته باشد و آن مفسده به اندازه‌ای باشد که اجتناب از آن ناگزیر باشد، حکم آن کار، حرمت است حتی اگر انجام آن کار برای برخی افراد منافی داشته باشد. مفسده ممکن است فردی و برای نوع انسان‌ها، یا مفسده‌ای اجتماعی و یا دینی و معنوی باشد. معیار حرام بودن محرّمات در اسلام فقط ضرر جسمی نیست و ممکن است عامل حرمت مفسده روحی یا مفسده‌ای اجتماعی باشد (مطهری: ۱۳۹۰: ۲۱).

بخش دوم حرام سیاسی از سیاست گرفته شده است. سیاست در معنی لغوی یعنی پاس داشتن ملک، حفاظت، نگاه‌داری، حکومت و سیاست و داوری (دهخدا، ۱۳۷۳، ج. ۸) معنی شده است و بین اندیشمندان ایرانی و فلاسفه سیاسی مسلمان، به معنای دانشی است که از شهر (مدینه در عُرف فیلسوفان دوران اسلامی مانند فارابی) و مناسبات شهروندی (مدنی) بحث می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۷) و در یک جمع‌بندی لغوی می‌توان حرام سیاسی را به معنی امور مفسده‌آمیزی که سبب به‌هم‌ریختگی مناسبات شهروندی می‌شود، تعریف نمود. حال با توجه به بازتولید لغوی حرام سیاسی در ادامه سعی می‌شود با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف که یکی از ابزارهای کارآمد سیاسی در جهت بررسی مفاهیم سیاسی در آرای اندیشمندان است به درک عمیق‌تر از این واژه در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای و همچنین مفهوم‌سازی گوینده در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین پرداخته شود.

سؤالات اساسی که پژوهش حاضر با توجه به مدل انتقادی فرکلاف در پی پاسخ به آن است به شرح زیر است:

۱. این مفهوم در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای چگونه تعریف و تبیین می‌شود؟
۲. چه معیارها و دلایلی برای تشخیص و اجتناب از حرام سیاسی وجود دارد؟
۳. چه رابطه‌ای بین حرام سیاسی و گفتمان‌های دیگر مانند اسلامیت، فقاقت، جمهوریت و دال‌هایی همچون مردم‌سالاری دینی، امر به معروف و نهی از منکر، تعامل با دولت و نظام حاکم، بیت‌المال و اموال دولتی و نظارت و آزادی برقرار است؟
۴. چه تأثیری واژه ابداعی حرام سیاسی بر قدرت و ایدئولوژی نظام جمهوری اسلامی دارد؟

پژوهش حاضر با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف قصد دارد به این سؤالات پاسخ دهد. متون انتخاب‌شده از منابع معتبر و معتمد مانند وبسایت آیت‌الله خامنه‌ای، کتاب‌های مرتبط و مقالات علمی استخراج شده‌اند. معیار انتخاب متون این است که حاوی مفهوم حرام سیاسی یا موضوعات مرتبط با آن باشند. البته بیشتر تمرکز بحث بر روی یکی از سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای است که درباره حرام سیاسی بیان گردیده است. محدوده زمانی متن مورد بررسی در سال ۱۴۰۲ می‌باشد اما در روند پژوهش ارجاعاتی نیز به متون گفتاری ایشان در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ اشاره گردیده است. پیکربندی پژوهش با توجه به رویکرد انتقادی فرکلاف در سه بخش تدوین شده است که در بخش اول به تبیین رویکرد انتقادی فرکلاف و شیوه به‌کارگیری آن در متون گفتاری و نوشتاری پرداخته می‌شود. در بخش بعد با توجه به سه سطح تحلیل توصیف، تفسیر و تبیین به بازشناسی مفهوم حرام سیاسی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته و در ادامه به شیوه راهبرد زبانی ایشان در تبیین این مفهوم با محوریت سخنرانی ۱۴۰۲/۰۱/۱۵ پرداخته می‌شود. در انتها نیز نتیجه‌گیری و منابع پژوهش حاضر نگاشته می‌شود.

ادبیات پژوهش

با بررسی منابع و تحقیق‌های انجام شده به نظر می‌رسد تاکنون پژوهش مدون و دقیقی در مورد موضوع «حرام سیاسی» انجام نپذیرفته است؛ البته باید به این نکته توجه نمود که ترکیب واژگانی حرام سیاسی، ترکیبی ابداعی توسط آیت‌الله خامنه‌ای است که قبل از ایشان مابه‌ازایی نداشته است و از این رو بیشتر مطالب ارائه شده در مورد حرام سیاسی به صورت مطالب ژورنالی و برداشت‌های سطحی از این موضوع می‌باشد؛ اما با این وجود اگر مسئله حرام سیاسی را در معنای کلی در رابطه دین و سیاست تلقی کنیم می‌توان پژوهش‌هایی را در این رابطه مورد توجه قرار داد که به صورت خلاصه می‌توان به شرح ذیل بدان پرداخت:

حسن فرداگی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان قلمرو دین در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با استفاده از روش تحلیلی توصیفی به دنبال به دست آوردن دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره قلمرو دین در دو سطح علوم انسانی و علوم تجربی می‌باشد و در نتیجه به این ایده می‌رسد که در سطح علوم تجربی نگاه حداکثری به قلمرو دین در نگاه ایشان وجود ندارد و در علوم

انسانی هم با تفاوتی که بین آموزه‌های توصیفی و هنجاری دین گذاشته می‌شود، به این نتیجه می‌رسد که نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به دین، این است که باید اصول، مبانی و اهداف علوم انسانی را توصیف کند و اما در جهت هنجاری، دین باید به‌طور حداکثری پاسخ‌گوی نیازهای انسان‌ها باشد و ارزش‌گذاری کند. در نقد مقاله حاضر از نظر نگارنده این است که نوع برداشت‌ها و استدلال‌ها سلیقه‌ای است که نتایج را بدین‌صورت حاصل می‌کند و این نشان از عدم استفاده از روش تحقیق قوی در نسبت موضوع مورد تحقیق می‌باشد و نقد دیگر اینکه این امر نگاه جزیره‌ای به مکتب فکری و گفتمانی آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشد در حالی که در تفاوت مقاله حاضر با پژوهش مورد اشاره علاوه بر موضوع می‌توان در استفاده از روشی مبنایی و استفاده از شیوه گفتمانی که توانایی فهم یک متفکر و فیلسوف اسلامی و در عین حال یک رهبر سیاسی و اجتماعی را داراست بیان نمود.

محمدحسین جمشیدی در مقاله سیاست چیست؟ (جمشیدی، ۱۳۸۷) به بیان دیدگاه امام خمینی^(ره) در مورد سیاست می‌پردازد و به این موضوع اشاره می‌کند که هدف و مقصد سیاست نیز راه بردن افراد بر مبنای عدل و عقل در مسیر کمال انسانی برای رسیدن آن‌ها به حقوق حقه خویش و خیر و سعادت راستین است. امام خمینی^(ره) بر اساس نگرش خود نسبت به جهان هستی، جایگاه انسان و نقشی که به او محول شده است، اهدافی که آدمیان، سیاست را معطوف به آن کرده‌اند و نیز برداشت‌های کلی آدمیان، به بیان انواعی از سیاست می‌پردازد که عبارت است از: سیاست شیطانی، سیاست حیوانی یا سیاست این جهانی و سیاست الهی. از دیدگاه امام خمینی^(ره) اسلام نه تنها دین سیاست است، بلکه تمام آن سیاست است. آمیختگی دین و سیاست در این نگاه، به شدیدترین مفهوم خود و در قالب این همانی یعنی عینیت دین و سیاست مطرح می‌شود. سیاست الهی، به‌وسیله پیامبران و پیروان راستین آن‌ها و به دور از هرگونه دروغ و فریب و تزویر، به تحقق حکومت عدل و انسانی در جامعه می‌انجامد. می‌توان گفت نزدیک‌ترین مفاهیم و فهم مسئله به موضوع حرام سیاسی را می‌توان در قالب مفاهیم بیان شده در این پژوهش شاهد بود و این آمیختگی سیاست و دین که پژوهش در پی تئوریزه کردن در نگاه امام خمینی^(ره) است را می‌توان استنباط نمود؛ اما تفاوت بنیادین پژوهش حاضر با مقاله مطرح شده در بررسی یکی از مسائل عینی و جزئی از ارتباط

دین و سیاست و تعامل این دو با هم یعنی مفهوم حرام سیاسی می‌باشد که در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای مورد کنکاش قرار گرفته است.

عباس حیدری در مقاله‌ای با عنوان فهم خوانش فقهای معاصر از فقه سیاست: مطالعه مرتضی انصاری، میرزای نائینی و حضرت امام خمینی^(ع) (حیدری، ۱۳۹۴)، به‌نوعی به ارتباط دین و سیاست و حدود دخالت دین در امر سیاسی پرداخته است. بررسی‌های پژوهش نشان می‌دهد در یک سیر تصاعدی از دامنه دخالت دین در سیاست در طول تاریخ چند صدساله در ایران که از شیخ انصاری شروع می‌شود و به امام خمینی^(ع) می‌رسد حیطه دخالت دین که تبلور آن فهم فقیه از دخالت در امور سیاسی است همواره افزایشی بوده است. شیخ انصاری با قائل شدن ولایت مطلقه برای امامان معصوم، تأسیس اصل ولایت مطلقه را برای فقیهان جامع‌الشرایط مطرح می‌کند؛ سپس، نائینی با قائل شدن ولایت تکوینی و تشریحی برای فقیه، به ولایت تشریحی او حکم می‌دهد. حضرت امام^(ع) نیز برای امام معصوم و ولی فقیه، قائل به ولایت مطلقه است؛ ولایتی که مسئولیت فقیه در امور عامه و همگانی را به تصویر می‌کشد و از دیگرسو، منصب قضا و سیاست را یکسان می‌انگارد و به عادل بودن فقیه جامع‌الشرایط حکم می‌دهد و به‌گونه‌ای می‌توان مقاله حاضر را نمودی از این روند و مطالعه موردی در اندیشه یکی از اثرگذارترین افراد در تاریخ معاصر ایران بیان نمود.

رویکرد پژوهشی

تحلیل گفتمان انتقادی یک روش پژوهشی است که با توجه به رابطه بین گفتمان، بافت و ساختار اجتماعی، سعی می‌کند نشان دهد که چگونه گفتمان‌ها در تولید، تثبیت و تغییر روابط قدرت، ایدئولوژی و هویت نقش دارند. از منظر فرکلاف زبان یک کارکرد اجتماعی دارد و این کارکرد چند مفهومی ضمنی را در برمی‌گیرد: ۱. زبان بخشی از جامعه است و خارج از آن نیست؛ ۲. زبان فرایندی اجتماعی است؛ ۳. زبان فرایندی مشروط به سایر بخش‌های غیر زبانی جامعه است (آقاگل زاده، ۱۳۸۶). رویکرد فرکلاف نسبت به رویکردهای گفتمانی و غیر گفتمانی از عمق بیشتری در تحلیل برخوردار است. چراکه او متن را در سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین مورد بررسی قرار می‌دهد. یکی از وجوه کارآمدی تحلیل انتقادی فرکلاف انعطاف نسبت به موضوعات می‌باشد چرا که در تحلیل انتقادی فرکلاف متناسب با هر

گفتمانی می‌توان پرسش‌هایی که از متن یا گفتار مطرح می‌شود را متناسب با آن تغییر داد و لزومی ندارد تا این پیروی به صورتی گام به گام و در شباهت کامل با آموزه‌های فرکلاف باشد چرا که با توجه به اقتضائات متن و متناسب با آنچه که نیاز ما را در پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش مرتفع می‌سازد می‌توان برخی از مفاهیم و پرسش‌ها را جابه‌جا، گاه ترکیب و گاه حذف نمود، همان‌طور که خود او نیز اشاره داشته است: «رویه مزبور نباید وحی مُنزل تلقی شود؛ این رویه یک راهنماست و نه یک طرح. در برخی از موارد خوانندگانی که آن را به کار می‌برند ممکن است دریابند که بعضی از بخش‌ها بیش از حد مفصل است و یا حتی به دردشان نمی‌خورد...» (Fairclough, 2005). این نشان از آن دارد که پژوهشگر می‌تواند متناسب با عنوان و موضوع کار خود این روش را چکش‌کاری نماید. از این رو با توجه به قبول برخی تغییرات در سؤالات مورد اشاره فرکلاف در بررسی مراحل بنا بر مقتضیات، همین رویکرد مبنای پژوهش حاضر در بازشناسایی مفهوم حرام سیاسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای و راهبردهای زبانی در انتقال معنا به مخاطب توسط ایشان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

توصیف

فرکلاف مرحله اول تحلیل در روش خود را «توصیف» می‌داند. توصیف مرحله‌ای است که با ویژگی‌های صوری متن مانند واژگان، دستور و ساخت‌های متنی سروکار دارد. تحلیلگر در ارتباط با واژگان و دستور باید به پرسش‌های مربوط به ارزش‌های تجربی، ارزش‌های رابطه‌ای و ارزش‌های بیانی متن و در بخش ساخت‌های متنی، به سؤالات مربوط به استفاده از قراردادهای تعاملی و ارتباط متن با ساخت‌های گسترده‌تر پاسخ گوید (فرکلاف، ۱۳۷۹). البته باید توجه داشت که به‌وسیله مشخصات صوری متن مستقیماً به تأثیرات ساختاری متن بر ساخت یک جامعه نمی‌توان دست یافت؛ زیرا اصولاً نوع ارتباط متن و ساختارهای اجتماعی، رابطه‌ای غیرمستقیم است. این رابطه ابتدا از طریق گفتمان که متن خود بخشی از آن است، ایجاد می‌شود. در اینجا است که متون بر مبنای پیش‌فرض‌های مبتنی بر عقل سلیم (بخشی از دانش زمینه‌ای) به ویژگی‌های متنی ارزش می‌دهند و از اینجا مرحله تفسیر متن شروع می‌شود. چرا که دانش زمینه‌ای و زمینه‌های اجتماعی گفتمان واسطه متن و ساختارهای

اجتماعی می‌باشد (فرکلاف، ۱۳۹۹). فرایند توصیف توسط فرکلاف با سؤالاتی جهت تسهیل انجام این مرحله مطرح می‌گردد که شامل موارد زیر است:

الف) واژگان

۱. کلمات واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ در طبقه‌بندی آن‌ها از کدام طرح‌ها استفاده شده است؟ آیا می‌توان از عبارت‌بندی دگرسان یا عبارت‌بندی افراطی سخن گفت؟ چه نوع روابط معنایی (هم معنایی، شمول معنایی، تضاد معنایی) به لحاظ ایدئولوژیک معنادار بین کلمات وجود دارد؟
۲. کلمات واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ آیا عباراتی وجود دارند که دال برحسن تعبیر باشند؟ آیا کلماتی وجود دارند که آشکارا رسمی یا محاوره‌ای باشند؟
۳. کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟
۴. در کلمات از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟

ب) دستور

۱. ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ چه نوع فرایندها و مشارکینی مسلط هستند؟ آیا کنشگری نامشخص است؟ آیا فرایندها همان‌هایی هستند که به نظر می‌رسند؟ آیا از فرایند اسم‌سازی استفاده شده است؟ جملات معلوم هستند یا مجهول؟ جملات مثبت هستند یا منفی؟
۲. ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ از کدام وجه‌ها (خبری، پرسشی دستوری، امری) استفاده شده است؟ آیا ویژگی‌های مهم وجهیت رابطه‌ای وجود دارند؟ آیا از ضمیرهای ما و شما استفاده شده است و اگر پاسخ مثبت است، نحوه استفاده از آن‌ها چگونه بوده است؟
۳. ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟ آیا ویژگی‌های مهم وجهیت بیانی موجودند؟

۴. جملات (ساده) چگونه به یکدیگر متصل شده‌اند؟ از کدام کلمات ربطی منطقی استفاده شده است؟ آیا جملات مرکب از مشخصه‌های همپایگی یا وابستگی برخوردارند؟ برای ارجاع به داخل و بیرون متن از چه ابزارهایی استفاده شده است؟

ج) ساخت‌های متنی

۱. از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟
 ۲. آیا روش‌هایی وجود دارند که به کمک آن‌ها یک مشارک نوبت سخن گفتن دیگران را کنترل کند؟
 ۳. متن واجد چه نوع ساخت‌های گسترده‌تری است؟ (ایزدی، ۱۳۷۹).
- البته توصیف متن شامل عناصر دیگری همچون توجه به ضمایر، استعاره‌ها، کنش گفتارها و موارد دیگر موجود در متن نیز می‌شود که برای اختصار در نگارش از توضیح در این موارد چشم‌پوشی می‌شود ولی در قالب تحلیل متن باید به آن‌ها نیز توجه نمود.

تفسیر

همان‌طور که در مرحله توصیف بیان شد؛ از طریق ویژگی‌های صوری متن، نمی‌توان مستقیماً به تأثیرات ساختاری این ویژگی‌ها بر شالوده جامعه دست یافت؛ زیرا رابطه متن و ساختارهای اجتماعی، رابطه‌ای غیرمستقیم است. اینجاست که ضرورت تفسیر مطرح می‌شود تا متن بر اساس مفروضات عقل سلیم که به ویژگی‌های متن ارزش می‌دهند، تولید و تفسیر شوند. تفسیرها، ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است (فرکلاف، ۱۳۷۹). در سطح پرکتیس گفتمانی فرکلاف، مفسر هم شامل محقق می‌شود و هم شامل کنشگرانی که با تکیه بر دانش زمینه‌ای خود، متن‌ها را تفسیر کرده و بر این اساس تعاملات میان خود را تنظیم می‌نمایند.

دو بافت (موقعیت) که پرکتیس گفتمانی فرکلاف با آن درگیر است شامل بافت موقعیتی، بافت بینامتنی می‌شود که به پیشنهاد فرکلاف می‌توان با چندین سؤال پی به آن‌ها در متن برد:

۱. بافت موقعیتی: فرکلاف در کنکاش از بافت موقعیت با بیان چندین پرسش سعی در اکتشاف بافت موقعیت است که در ادامه از زبان خودش اشاره می‌شود: با چند پرسش می‌توان به تفسیر بافت موقعیتی پرداخت چرا که علاوه بر تفسیر متن، تفسیر زمینه بافت متن نیز از مسائل مهم است و این پرسش‌ها شامل این موارد هستند:
- ❖ ماجرا چیست؟ در این پرسش که از متن می‌شود ما خواستار آنیم تا دریابیم که در متن چه فعلیتی در حال انجام است و عنوان و هدف این فعالیت چیست و همچنین دریابیم که جانمایه متن چیست؟ چرا که در این پرسش ما به چستی ماجرا توجه داریم و پاسخ به این پرسش ما را در تفسیر متن و زمینه متن یاری می‌رساند؛
 - ❖ چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ ما این پرسش را هم درباره زمینه بافت متن و هم درباره فاعلان اجتماعی که تولید متن در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند مطرح می‌کنیم تا در مقام پاسخگویی به آن به تفسیری روشن‌تر از بافت موقعیتی متن دست یابیم. در این پرسش تلاش می‌شود تا جایگاه‌های فاعلی مشخص گردد؛
 - ❖ روابط میان آن‌ها چیست؟ پرسش‌های مربوط به اشخاص درگیر و نوع روابطشان بی‌تردید دارای ارتباط بسیار نزدیکی هستند، اگرچه از نظر تحلیلی دو پرسش متفاوت‌اند. ما در پاسخ به این پرسش بر ویژگی روابط میان فاعلان اجتماعی هم در بافت و هم در متن توجه داریم. در این پرسش بر موقعیت فاعلان نسبت به یکدیگر یعنی مناسبات قدرت میان آنان، فاصله اجتماعی‌شان و اینکه روابط میان آیا آنان مبتنی بر تقابل یا تعامل برابر و یا فرادستی - فرودستی است، توجه می‌کنیم (فرکلاف، ۱۳۷۹).
۲. بافت بینامتنی، پیش‌فرض‌ها و کنش گفتاری متن: فرکلاف با اشاره به این نکته که گفتمان‌ها و متون آن‌ها خود دارای تاریخ‌اند و متعلق به مجموعه‌های تاریخی هستند و تفسیر بافت بینامتنی به این موضوع بستگی دارد که متن را متعلق به کدام مجموعه بدانیم و در نتیجه چه چیز را میان مشارکین، زمینه مشترک و مفروض بخوانیم. همان‌گونه که در مورد بافت موقعیتی مطرح است، مشارکین گفتمان نیز ممکن است به تفسیرهای تقریباً یکسان یا متفاوتی دست یابند و تفسیر طرف قدرتمندتر ممکن است بر سایر مشارکین تحمیل شود. به همین ترتیب، قدرت نیز می‌تواند پیش‌فرض‌ها را تعیین کند. پیش‌فرض‌ها جنبه‌ای از تفسیر تولیدکنندگان متن از بافت

بینامتنی هستند (Fairclough, 2012). از همین‌جا فرکلاف موضوع ایدئولوژی را در طرح‌واره خود وارد می‌کند و با اشاره به اینکه «مفروضات مستقر در پیش‌فرض‌ها خصوصیت عقل سلیم در خدمت قدرت را دارا می‌شوند، کارکردی ایدئولوژیک می‌یابد.» برای فهم درست از مفاهیم ایدئولوژیک در متن؛ ارجاعات متن به متون دیگر و همچنین نگاه به پیوست‌ها و گسست‌ها (در فرایند گفتمان لاکلاو به آن توجه به غیریت‌سازی‌ها گفته می‌شود البته لاکلاو موف توجهی به وجه ایدئولوژیک نداشته‌اند و همچنین واریسی متون از منظر تاریخی از نظر فرکلاف می‌تواند باعث شناخت ایدئولوژی حاکم بر متن باشد و به رابطه ایدئولوژی و قدرت پی برد (فرکلاف، ۱۳۷۹). دو پرسش اساسی نیز برای فهم گزاره دوم یعنی پی بردن به بافت بینا متنی، پیش‌فرض‌ها و کنش گفتار می‌توان این‌طور مطرح نمود:

- در جان‌مایه و پیش‌فرض‌های موجود در متن چه نوع بازنمایی از جهان طبیعی، جهان اجتماعی و مفاهیم و اشیا وجود دارد؟
- آبخشور کنش گفتارهای مندرج در متن از چه متون و ساختارهایی است؟ و در پی ایجاد و یا بازتولید چه ساختار و روابطی با سایر بازیگران است؟

سطح تبیین در تحلیل انتقادی فرکلاف

سطح تبیین که می‌توان از آن به‌عنوان پرکتیس اجتماعی تحلیل گفتمان انتقادی نام برد؛ نشان می‌دهد که پرکتیس گفتمانی در بازتولید یا زوال نظم گفتمانی دربرگیرنده متن، چه نقشی را ایفا می‌کند و این نقش برای پرکتیس اجتماعی چه پیامدهایی دارد. فرکلاف خود در مورد این مرحله چنین بیان می‌دارد که «هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است، تبیین، گفتمان را به‌عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعین می‌بخشند، همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر آن ساختارها بگذارند، تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند ... تبیین عبارت است از دیدن گفتمان به‌عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت» (فرکلاف، ۱۳۷۹).

به نظر نگارنده، نقطه اوج تحلیل انتقادی و حرف جدید فرکلاف دقیقاً در همین سطح و مرحله بازتولید می‌شود. فرکلاف در این مرحله در پی تأثیر متقابل گفتمان بر ساختارها و از سویی ساختارها بر گفتمان‌هاست. البته باید به این نکته توجه نمود که اگر پژوهشگری روی متن یا گفتاری دست به تحلیل انتقادی گفتمان می‌زند باید از نقش گفتمانی که متن مورد نظر او را تولید کرده است بر ساختار سخن بگوید نه از نقش متن مورد تحلیل بر ساختار و این به معنی است که در سطح تحلیل تبیین در منظر فرکلاف اصالت با گفتمان در ارتباط با ساختار است و نمی‌توان مستقیم متن را به ساختار عرضه کرد و کنش متقابل آن را مورد بررسی نمود. هرچند گفتمان‌ها می‌توانند از متن، سرنخ‌هایی برای این نقش‌ها که گفتمان را شکل می‌دهد دریابند؛ اما متون توانایی تأثیرگذاری مستقیم بر ساختار را ندارند و تنها به واسطه گفتمان‌شان این نقش را بازی می‌کنند.

فرکلاف برای بررسی مرحله تبیین در تحلیل گفتمان انتقادی خود به سه پرسش اساسی برای پراکتیس اجتماعی مرحله تبیین اشاره دارد تا بتوان به تأثیرات گفتمان بر ساختار را شناسایی نماید:

- ❖ ساختار و عوامل اجتماعی مؤثر بر گفتمان و متن چیست؟
- ❖ کدام عناصر و ایدئولوژی‌ها از دانش زمینه‌ای گفتمان بر ماهیت و نحوه مفصل‌بندی گفتمان و متون گفتمانی آن تأثیر گذارده بوده است؟
- ❖ گفتمان و متون گفتمانی چه تأثیراتی بر ساختارها و تشکل گفتمانی عصر خود داشته است؟ (فرکلاف، ۱۳۷۹)

تا بدین جا مشخص شد که فرکلاف با پی ریزی طرحی روشمند به دنبال حل بحران اندیشمندان تحلیل گفتمان، گام موفق‌تری را در این زمینه برداشته است و این مشکل عدم وجود روشی خاص جهت تحلیل گفتمان در انجام پژوهش گفتمانی را تا حدودی توانسته برطرف کند؛ اما در ادامه به نقاط ضعف این تحلیل پرداخته می‌شود تا با توجه به این نقاط ضعف به تحلیل انتقادی مفهوم حرام سیاسی و پراکتیس‌های سه‌گانه آن در متن گفتاری آیت‌الله خامنه‌ای بپردازیم.

نقد و بررسی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

در نقد و بررسی تحلیل گفتمان انتقادی برخی نقدهای عمومی که به تحلیل گفتمان وارد است را می‌توان به این نوع تحلیل ارجاع داد؛ نظریه تحلیل گفتمان و به تبع آن تحلیل گفتمان انتقادی در جرگه نظریه‌های پست‌مدرنیسم قرار می‌گیرد (Blommaert, 2005) و در پی آن در درون‌مایه خود قائل به نسبی‌گرایی است و از این جهت نمی‌تواند تناسبی با اندیشه اسلامی داشته باشد. چرا که متفکر اسلامی مبنا گرا، جوهرگرا و در نتیجه دارای روایت کلان است. در این تفکر نص و عقل دو معیار برای دسترسی به حقایق جهان هستی هستند. اسلام‌گرایان نه صرفاً بر اساس روابط قدرت و نفی غیر بلکه بر اساس آنچه آن‌ها راه درست و پیام الهی برای بشر می‌دانند تفکر می‌کنند؛ بنابراین تحلیل گفتمان در معنی عام خودش و همین‌طور تحلیل گفتمان انتقادی کاستن روابط اجتماعی در حد گفتمان و صرفاً بر اساس تحلیل روابط قدرت و گفتمان علی‌رغم امتیازات آن دچار ناسازگاری‌هایی با تفکر اسلامی است. البته برخی نیز معتقدند که انتقادات وارد شده به نظریه گفتمان در حالت کلی ناشی از سوءتعبیر دانست که به‌واسطه نو بودن این نظریات سبب ابهام و ماهیتاً ریشه در مفهوم گفتمان دارد (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱). با اذعان به اینکه تحلیل گفتمان انتقادی ورژن پیشرفته از تحلیل گفتمان است که در حل مشکلات موجود در گفتمان و ارتباط دادن آن به سطح پراکتیس اجتماعی تلاش‌های اندیشمندان این نحله فکری را برانگیخت و تحلیل گفتمان را به جایگاه ارجمندی رساند؛ با این وجود به‌طور مشخص می‌توان این نقد را نیز به تحلیل انتقادی گفتمان مطرح نمود که کمتر نقشی برای مولد متن قائل است و متن را بیشتر تحت تأثیر عواملی چون بافت‌ها و روایت‌های کلان که شامل تاریخ، ایدئولوژی، جامعه، فرهنگ و قدرت است، مورد بررسی قرار می‌دهد.

اما با توجه به توضیحات بالا و اشاره به نقاط قوت و ضعف نظریه تحلیل گفتمان انتقادی، نگارنده معتقد به ضرورت کاربرد آزادانه و بومی رویکرد و با رعایت جنبه و سازواره‌های نظری فرکلاف بدون نیاز به التزام کامل ابعاد تحلیل، به بررسی انتقادی سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یک اندیشمند و رهبر مسلمان و همچنین به‌عنوان یک مدیر کلان سیاسی کشور می‌توان پرداخت.

جایگاه اسلام سیاسی و ضرورت بسط شریعت در جامعه از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

نگاه آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون اسلام سیاسی و ضرورت بسط شریعت در جامعه بر اساس اصول و مبانی فقه سیاسی پویا تعریف می‌گردد. همچنان که ضروریات روز جامعه سبب پاسخگویی اسلام بر مبنای زمان و مکان می‌شود، این امر نیز نیازمند بسط و پیاده‌سازی جهت رسیدن به جامعه توحیدی که هدف غایی اسلام می‌باشد است. ایشان بر این باورند که فرهنگ سیاسی اسلامی باید در جامعه نهادینه شود تا بتواند به‌عنوان زیربنای تمامی ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عمل کند (مظفری، ۱۳۸۵). از دیدگاه ایشان، فرهنگ سیاسی اسلامی شامل مشارکت فعال مردم در امور سیاسی و اجتماعی، اطاعت از قوانین اسلامی و محدودیت‌های شرعی است. این فرهنگ باید به‌گونه‌ای باشد که روح توحید و ارزش‌های اسلامی در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی جریان یابد.

آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارند که برای تحقق جامعه توحیدی، باید مدیریت و سگان اصلی جامعه در دست افرادی باشد که علاوه بر شایستگی‌های اخلاقی و علمی، از اذن الهی برای اعمال قدرت و اجرای دستورالعمل‌های اسلامی برخوردار باشند. این امر تضمین‌کننده جریان یافتن روح توحید در نظام سیاسی جامعه اسلامی است که خود این موضوع اشاره به تضمین یک جامعه پویا حضور شریعت و بسط آن توسط فرد متخصص و آگاه به امور الهی می‌باشد. همچنین می‌توان به اختصار به اهمیت بسط شریعت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای در جامعه به موارد زیر اشاره نمود:

❖ حفظ هویت اسلامی: بسط شریعت به حفظ هویت اسلامی جامعه کمک می‌کند و از انحرافات فرهنگی و اخلاقی جلوگیری می‌کند؛ شما امروز هم مشاهده می‌کنید که در تبلیغات دشمنان، از چیزی به نام «اسلام سیاسی» نام آورده می‌شود؛ اسلام سیاسی همین است که در نظام اسلامی ایران تحقق پیدا کرده - حرکت عظیمی که امام بزرگوار ما انجام دادند- و آماج حملات آن‌ها، اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی یعنی همین اسلامی که توانسته با تشکیل حکومت، دستگاه‌های گوناگون، نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و ... به وجود بیاورد و یک هویت دینی و اسلامی را برای یک ملت ایجاد کند؛ این، آن چیزی است که در مورد دین [می‌شود گفت]؛ بنابراین تعریف قرآن از دین یک چنین چیزی است؛ این را

نمی‌شود فرو کاست به کارهای کوچک، به یک اعمال عبادی صرف و محض؛ بنابر این بعثت یک حرکت عظیمی است که برنامه جامع و نجات‌بخش بشر را در اختیار انسان‌ها می‌گذارد و آن‌ها را آماده می‌کند برای یک حرکت بزرگ (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱). با توجه به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از کارویژه‌های دین حفظ هویت اسلامی از طریق گسترش و ایجاد نظام‌سازی و حرکت‌های عظیم اجتماعی به‌واسطه حضور دین در جامعه است.

❖ تحقق عدالت اجتماعی: شریعت به‌عنوان یک نظام جامع، تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی را پوشش می‌دهد و بسط آن می‌تواند به تحقق عدالت اجتماعی و اخلاقی کمک کند. تحقق عدالت اجتماعی مستلزم شایسته‌سالاری در تمامی سطوح اجرایی، تقنینی و قضایی، ترویج معنویت و جلوگیری از زمینه‌های گناه در جامعه و نیز تأسیس نظام تعاون و تأمین رفاه اجتماعی، ایجاد تحول در نظام وقف، گسترش فرهنگ وقف و بهره‌برداری بهینه از آن، همچنین عملیاتی ساختن نظام مالیاتی اسلام و دریافت قانونمند مالیات‌های ثابت، راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی است. همه امور ذکر شده مستلزم بسط نظامی مبتنی بر شریعت که در آن علاوه بر الزام اخلاقی و قانونی توانایی ایجاد جامعه توحیدی است که الزامات شرعی را نیز برای اجرای عدالت اجتماعی می‌تواند به مدد بگیرد. «ما نمی‌توانیم از عدالت اجتماعی فقط حرفی بگوییم و بشنویم. ما نمی‌توانیم از صلاح اجتماعی فقط سخنی بگوییم و بشنویم. باور دینی، ایمان انقلابی و باورهای ملی باید عمق پیدا کند. کشور ما با ملت مؤمن خود - که در جهت علم و فناوری هم پیشرفت می‌کند - باید الگویی بشود از توانایی و اقتدار و پیشرفت تا مسلمان‌های دنیا را تشویق و نام اسلام را بلند کند. شایسته ملت ایران چنین جایگاه و چنین موقعیتی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۲/۱۱).

❖ مقابله با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی: آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است که بسط شریعت می‌تواند به‌عنوان یک چهارچوب اخلاقی و قانونی، جامعه را از فساد و انحرافات دور نگه دارد و به‌سوی پیشرفت و تعالی هدایت کند. «دنایای اسلام با تهدیدهای تازه‌ای مواجه است؛ اما این فرصت‌های بزرگ و تازه هم در دنیای

اسلام وجود دارد؛ امروز قشر عظیمی از جوانان مسلمان در سرتاسر دنیای اسلام چشم از شهوات و فراورده‌های رنگین غرب می‌پوشند و در دل خود ایمان به خدا و در عمل خود تعبد را شعار خود قرار می‌دهند. هم در ایران چنین جوانانی بسیارند، هم در دنیای اسلام فراوانند؛ چه در شرق دنیای اسلام و چه در غرب آن. امروز روشنفکران زیادی در دنیای اسلام به نام اسلام حرف می‌زنند؛ به نام اسلام می‌نویسند و به نام اسلام هنر خود را مجسم می‌کنند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۲/۱۰/۰۲).

❖ ایجاد نظم و امنیت: شریعت با ارائه قوانین و دستورات الهی، به ایجاد نظم و امنیت در جامعه کمک می‌کند و از هرج و مرج جلوگیری می‌کند. «نظمی در زندگی فردی و نظام زندگی عمومی و اجتماعی انسان مطلوب است که از تقوا سرچشمه گیرد و با تقوا همراه و هماهنگ باشد. پس، این یک وصیت کلی است برای همه ما که در زندگی شخصی و خانوادگی و در کارهای تحصیلی و اداری و در مشاغلی که در جامعه داریم، نظم و برنامه‌ریزی را مراعات کنیم. این‌ها نظم‌های عمدتاً فردی است؛ اما در سطح جامعه هم باید نظم را مراعات کنیم. هر کس در هرجایی قرار دارد، خود را موظف بداند که نظم اجتماعی را رعایت کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۰۹/۰۱).

❖ رشد و تعالی جامعه: بسط شریعت می‌تواند به رشد و تعالی جامعه کمک کند و زمینه‌های لازم برای پیشرفت و توسعه را فراهم آورد. «من می‌خواهم این را عرض کنم که امروز دنیا محتاج به این دعوت است، محتاج به این بعثت است. امروز زندگی مردم دنیا زندگی خوبی نیست. حالا ظواهری در بخشی از کشورهای دنیا وجود دارد، [اما] این ظواهر نشان‌دهنده خوشبختی آن جوامع نیست؛ در آن جوامع هم مثل همه جوامع دیگر، فقر هست، بدبختی هست، تبعیض هست، ظلم هست، حق‌کشی هست. امروز بشر در چهارچوب ماده گرفتار است، احتیاج مبرمی به این تزکیه و تعلیم نبوی و بعثت نبوی دارد. ما مسئولیت داریم. مسئولیت ما این است که خودمان را بسازیم و به دنیا نشان بدهیم که یک کشور اسلامی، یک جامعه اسلامی چه جوری می‌شود اداره بشود؛ به معنای واقعی

کلمه عمل کنیم، همچنان که در مواردی عمل کردیم و بحمدالله تأثیراتش را در دنیا گذاشت» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۹/۱۱/۱۴۰۲).

تجزیه و تحلیل حرام سیاسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با استفاده از گفتمان انتقادی فرکلاف (با تمرکز بر سخنرانی ۱۴۰۲/۰۱/۱۵)

در بررسی و تحلیل مفهوم‌شناسی حرام سیاسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با بهره‌گیری از فرایند تحلیل انتقادی فرکلاف سعی می‌شود نشان دهیم که چگونه گفتمان‌ها می‌توانند نقشی مؤثر در تولید و انتقال مفاهیم و رابطه آن با قدرت داشته باشند و چگونه می‌توان به وسیله تحلیل انتقادی از این گفتمان‌ها، به سوی بررسی تغییر اجتماعی پیش رفت. تقسیم‌بندی این بخش بر مبنای سه مرحله فرکلافی در تحلیل شکل گرفته است که شامل مرحله توصیف و ارتباط آن با پرکتیکس گفتمانی و اجتماعی می‌باشد.

توصیف

در این سطح سعی بر آن است تا متن سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای از نظر زبان‌شناسی تحلیل شود و ویژگی‌های صوتی، واژگانی، نحوی، معنایی و روایی آن مورد شناسایی قرار می‌گیرند. متن سخنرانی که موضوع و مفهوم مورد بحث در آن گنجانده شده بدین شرح است:

«مسئله پوشش، خب بله، مسئله حجاب محدودیت شرعی و قانونی است؛ آنجا محدودیت دولتی نیست، قانونی است و شرعی است؛ کشف حجاب، حرام شرعی و حرام سیاسی است؛ هم حرام شرعی است، هم حرام سیاسی است. خیلی از کسانی که کشف حجاب می‌کنند نمی‌دانند این را؛ اگر بدانند که پشت این کاری که این‌ها دارند می‌کنند چه کسانی هستند، قطعاً نمی‌کنند؛ من میدانم. خیلی از این‌ها کسانی هستند که اهل دینند، اهل تضرع‌اند، اهل ماه رمضانند، اهل گریه و دعایند، [منتها] توجه ندارند که چه کسی پشت این سیاست رفع حجاب و مبارزه با حجاب است. جاسوس‌های دشمن، دستگاه‌های جاسوسی دشمن، دنبال این قضیه هستند. اگر بدانند، حتماً نمی‌کنند. به هر حال، این مسئله قطعاً حل خواهد شد. امام، در اولین هفته‌های انقلاب، مسئله حجاب را الزاماً و قاطعاً بیان کردند؛ جزو کارهای اوایل امام راحل^(ره) این بود. حالا هم حل خواهد شد ان‌شاءالله. منتها همه توجه داشته باشند که دشمن با نقشه و برنامه وارد این کار شده، ما هم باید با برنامه و نقشه وارد بشویم؛ کارهای بی‌قاعده و بدون

برنامه نباید انجام بگیرد. مسئولین برنامه داشته باشند و دارند؛ ان‌شاءالله این کار با برنامه دنبال بشود. این هم یک مسئله.»

متن بالا که بخشی از سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشد در تاریخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۵ بیان گردیده و پیرامون مسئله حجاب به بیان دیدگاه خود پرداخته است. در ادامه در مرحله توصیف متن را دو بعد واژگان و دستوری مورد بررسی قرار می‌دهیم:

واژگان

کلماتی که ارزش‌های تجربی دارند در متن نشان‌دهنده تجربیات و دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در ارتباط با دین، قانون و سیاست هستند؛ در سخنرانی مذکور، این واژگان شامل «حجاب»، «محدودیت»، «شرعی»، «قانونی»، «کشف حجاب»، «حرام» و «سیاسی» می‌باشد. این کلمات نشان می‌دهند که سخنران حجاب را یک محدودیت شرعی و قانونی می‌بیند که نقض آن حرام است. همچنین، عبارت «کشف حجاب» نشان می‌دهد که سخنران به تضاد معنایی بین حفظ حجاب و کشف آن اشاره می‌کند. استفاده از «حجاب» و «محدودیت» نشان‌دهنده جنبه‌های فکری آیت‌الله خامنه‌ای در مورد محدودیت‌های اجتماعی و قانونی آن نیز است. از آنجایی که مولد متن کلماتی مانند حجاب را که امری اجتماعی و در تعامل با دیگری شکل می‌گیرد، در تبیین حرام سیاسی استفاده می‌کند اشاره به این موضوع دارد که این رویکرد برآمده از یک مبنای فقه سیاسی است و ایده آن ریشه در شرع و قانون دارد. با نگاهی به فراینده نظریه‌پردازی و گسترش احکام صادره از مبانی ذکر شده می‌توان جهت تبیین اشکال حرام که یکی از مصادیق آن حجاب است در منظومه فکری سخنران مصادیق دیگری را نیز پیدا نمود که دارای سه مؤلفه باشد تا بتوان بر آن نیز واژه حرام سیاسی اطلاق نمود: اول، فعل مربوط به امور اجتماع و در تعامل با دیگری باشد و دوم بر اساس مبانی فقهی و قانونی موجب ضرر به جامعه و نظام مستقر باشد.

از منظر ارزش‌های رابطه‌ای می‌توان سخنرانی را به این شیوه تحلیل نمود: متن شامل کلماتی مانند «دشمن»، «برنامه»، «مسئولین» و «جاسوس» هستند. در بررسی فرایند ارزش رابطه‌ای، تحلیل متن نشان‌دهنده روابط و ارتباطات گوینده متن با دیگرانی است که حالت تخصیمی بین آن‌ها وجود دارد. برای مثال، استفاده از «دشمن» و «برنامه» نشان‌دهنده تعامل فرد با

دیگری است که دارای منش و ایده‌های سازمان‌یافته در جهت تخصص و ایجاد چالش برای گوینده و مخاطبین می‌باشد. کلمات ذکر شده نشان می‌دهد که سخنران یک رابطه تقابلی با کسانی که به حرام شرعی و سیاسی را انجام می‌دهند و یا تشویق می‌کنند دارد و از مسئولین انتظار دارد که با برنامه‌ریزی به مقابله با این موضوع بپردازند.

در سطح ارزش‌های بیانی می‌توان متن را به این شکل تحلیل نمود: کلماتی که ارزش‌های بیانی دارند شامل «میدانم»، «به هر حال»، «ان‌شاءالله» هستند. این کلمات نشان می‌دهند که سخنران چگونه احساسات، نظرات و باورهای خود را بیان می‌کند. گوینده در تلاش است تا ایده اصلی خود در تحقق حکومت ایدئال که توجه به آینده و امید به آن است را نشان دهد. در نظام فکری مولد متن بهره‌گیری از مسائلی چون توکل و ایمان به تقدیر الهی بر سرنوشت انسان‌ها بازنمایی می‌شود. با توکل و ایمان و انجام فرامین الهی آینده مطلوب در اندیشه ایشان قابل دسترس خواهد بود.

یکی از وجوه واژگانی دیگر استعاره‌ها هستند که در متن مورد استفاده قرار گرفته‌اند. استعاره‌های استفاده شده شامل «پشت این کار» و «دشمن با نقشه و برنامه وارد این کار شده» هستند که تداعی‌کننده مواجهه با یک تهدید غیرمستقیم در موضوع حرام شرعی و سیاسی می‌باشد و این استعاره نشان‌دهنده یکی دیگر از منابع تولید حرام سیاسی را به نمایش می‌گذارد. به نظر می‌رسد گوینده با بهره‌گیری از این استعاره‌ها در راستای ایجاد دغدغه‌ای پیرامون بحث امنیت در مقابل یک دشمن خارجی است. پیرامون امنیت از نظر گوینده متن باید به این نکته توجه نمود که امنیتی پایدار است که همه‌جانبه باشد و تمام ابعاد اجتماعی، سیاسی، قضایی، نظامی و انتظامی باید در جامعه تأمین شود و نباید یکی را فدای دیگری نمود و این تولید امنیت وظیفه همه مردم است (شایگان، ۱۳۹۱). البته در جایی دیگر نیز می‌توان بین مصداق حرام سیاسی یعنی کشف حجاب و امنیت در سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای نمونه‌هایی را دید که صراحتاً اعلام می‌کند کشف حجاب یکی از مخاطرات امنیتی است. «همان کاری را که در اندلس، در قرن‌های گذشته کردند؛ یعنی جوانان را در عالم، به فساد و شهوت‌رانی و میگساری و این چیزها مشغول کردند. این کار، حالا هم انجام می‌گیرد. من بارها گفته‌ام: عده‌ای وقتی در خیابان نگاه می‌کنند و زنانی را می‌بینند که حجابشان قدری ناجور است، دلشان خون می‌شود. بله، این کار بدی است؛ اما کار بد اصلی، این نیست. کار بد

اصلی آن است که شما در کوچه و خیابان نمی‌بینید؛ کسی به کسی گفت: «چه کار میکنی؟» گفت: «دهل می‌زنم» گفت: «چرا صدای دهلت در نمی‌آید؟» گفت: «فردا صدای دهل من درمی‌آید» صدای فروریختن ایمان و اعتقاد ناشی از تهاجم پنهانی و زیرزیرکی دشمن - اگر شما ملت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید - خدای نخواسته، آن وقتی درمی‌آید که دیگر قابل علاج نیست» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۰۵/۲۱).

با ایجاد ارتباط معنایی و استفاده از سطح دوم تحلیل یعنی توجه به بافت بینامتنی، پیش‌فرض‌ها و کنش‌گفتاری متن به نظر می‌رسد که گوینده خود (منظور کشور تحت حکمرانی ایشان) را در مقابل یک تهدید بالقوه می‌بیند و از این رو با توجه به اینکه ایشان هم جایگاه فقهاتی دارند و هم جایگاه قانونی، سعی در مقابله با این تهدید امنیتی و ایجاد امنیت در جامعه با تولید و ابداع راهبردهای زبانی همچون اندلسی‌سازی ایران و حرام سیاسی را دارند. البته تفسیر ارائه شده بیشتر به مرحله دوم ارتباط دارد، اما به دلیل پیوستگی به‌ناچار در اینجا ذکر گردید و توجه به این نکته نیز باید مدنظر قرار گیرد که گفتمان مطرح و مورد پذیرش مولد متن اسلام سیاسی فقهاتی است که معتقد به حرام در ابعاد اجتماعی و سیاسی می‌باشد و به مولد به‌عنوان یک مرجع و حکمران سیاسی اجازه و توانایی تولید واژگان و به‌تبع آن گفتمان‌سازی را دارد.

سطح دستوری (جملات)

در سطح دستوری ما به تحلیل جملات متن می‌پردازیم. در سخنرانی، جملات مثبت مانند «مسئله حجاب محدودیت شرعی و قانونی است» و جملات منفی مانند «کشف حجاب، حرام شرعی و حرام سیاسی است» وجود دارد. همچنین، استفاده از فرایند اسم‌سازی مثل کشف حجاب نیز در جملات متن مشهود است.

در سطح رابطه‌ای، متن از وجه خبری استفاده شده است، مانند «مسئله حجاب محدودیت شرعی و قانونی است». همچنین، استفاده از ضمیر «ما» برای بیان و ایجاد هویت گروهی مورد استفاده قرار گرفته است و می‌تواند به معنی اعتماد فرد به خود و مخاطبین باشد.

در سطح بیانی، استفاده از جملات فرمانی مانند «مسئولین برنامه داشته باشند و دارند» وجود دارد؛ که نشئت گرفته از جایگاه رهبری ایشان و اشاره به بافت موقعیت است در سطح دوم تحلیل می‌باشد.

در سطح ساخت‌های متنی

متن از قراردادهای تعاملی استفاده می‌کند، مانند استفاده از «ان‌شاءالله» برای بیان امید و اعتقاد به خداوند. باید توجه داشت به نظر می‌رسد در سطح گفتمانی امید و امیدآفرینی به‌عنوان یکی از دال‌های مرکزی و تعیین‌کننده دیدگاه ایشان است. تحلیل منطق امیدآفرینی که می‌تواند خود موضوع پژوهش دیگر باشد نشان می‌دهد، از دید ایشان آثار و پیامدهایی از جمله تقویت روحیه شجاعت و شهامت، ثبات و پایداری و نشاط اجتماعی را در پی خواهد داشت و منطق امیدآفرینی بر مبنای روایات و متون استخراجی شیعه است که در سخنرانی ایشان نمود پیدا می‌کند (دهقان، ۱۳۹۸).

همچنین، متن دارای ساخت‌های گسترده‌تری است، مانند استفاده از تکرار برای تأکید بر نکات مهم، مانند تکرار «حرام شرعی و حرام سیاسی» است که جنبه فرا متنی موضوع را نشان می‌دهد.

استفاده از استعاره‌ها نیز یکی از ویژگی‌های دیگر ساخت‌های متنی است که در این متن مشاهده می‌شود. برای مثال، استفاده از عبارت «حرام شرعی و حرام سیاسی» است که از منابع دیگر گرفته شده است، نشان‌دهنده استفاده فرد از استعاره‌ها در متن است.

با توجه به تحلیل‌های ارائه شده در این بخش می‌توان گفت: گوینده متن از طریق استفاده از واژگان خاص، ساختارهای گرامری و ساخت‌های متنی به فهم خود از موضوع حرام سیاسی و اجتماعی و مصداق آن حجاب پرداخته است. البته در این مرحله باید به برخی وجوه ساختاری متن نیز که در این مرحله بدان پرداخته نشد، توجه داشت؛ مثلاً متن از زبانی مستقیم و قاطع استفاده می‌کند که نشان‌دهنده قدرت و اطمینان شخصی است که متن را تولید کرده است. از عباراتی مانند «مسئله حجاب محدودیت شرعی و قانونی است» یا «کشف حجاب، حرام شرعی و حرام سیاسی است» استفاده شده که نشان از ارتباط بین ایدئولوژی دینی و قدرت قانونی را نیز نشان می‌دهد. تولید معنا در این متن از طریق تکرار و تأکید بر حجاب

به‌عنوان یک محدودیت شرعی و قانونی و حرامیت کشف آن انجام می‌گیرد. متن نقش رسانه‌ها و جاسوس‌های دشمن را در شکل‌دهی به گفتمان حجاب را نیز مورد توجه قرار می‌دهد و توضیح می‌دهد که این گروه‌ها در پشت سیاست رفع حجاب و مبارزه با حجاب هستند؛ بنابراین، این متن در حول محور حجاب و موضوع حرام سیاسی و شرعی و اهمیت آن در یک جامعه مذهبی و قانونی خطابه گردیده است و با استفاده از زبان قدرتمند، تولید معنا و اشاره به نقش رسانه‌ها، یک گفتمان مشخص را تولید نموده است که در مرحله دوم به آن پرداخته می‌شود.

مرحله تفسیر

همان‌طور که قبلاً اشاره شد در تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، مرحله دوم مربوط پرکتیس گفتمانی می‌باشد. مرحله تفسیر ترکیبی از محتویات متن و ذهنیت مفسر را تشکیل می‌دهند. از این رو در مرحله تفسیر ابتدا باید تعامل بین متن و بافت را مورد بررسی قرار داد و بعد از آن به ذهنیت مفسر که شامل گفتمان‌های عارضی بر متن هستند پرداخته می‌شود. تعامل بین متن و بافت را با توجه به عناصری مانند هدف، مخاطب، منبع، شرایط زمانی و مکانی، نوع ژانر، روابط قدرت، ارزش‌ها و باورها، گفتمان‌ها و ... رسیدگی می‌شود. به‌صورت ضمنی پاسخ به عناصر شکل‌دهنده بین متن و بافت بدین شکل است: در سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان توجه کرد که هدف او از این سخنرانی، تأیید و تثبیت حجاب به‌عنوان یکی از نشانه‌های هویت و اصل وجودی جمهوری اسلامی است و این کار با توجه به دو توصیف حرام سیاسی و حرام شرعی انجام می‌پذیرد. مخاطب او شامل مردم، مسئولان و دشمنان است که او با آن‌ها به طرق مختلف برخورد می‌کند. منبع ایشان برگرفته از منابع فقه و قانون است و با توجه به جایگاه رهبری به‌عنوان رهبر و مرجع تقلید است که موجب این اختیارات و اعتبارات خاصی شده است. شرایط زمانی و مکانی او نیز مربوط به دورانی است که ایران با بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و بهداشتی روبه‌رو است. ایشان در تهران سخنرانی خود را ایراد می‌کند. نوع ژانر نیز سخنرانی سیاسی و گفتمانی است که از عناصر روایی، استدلالی و تشویقی استفاده می‌کند. روابط قدرت ایشان با مخاطبان بر مبنای جایگاه فقهی و قانونی است. از زاویه دید دیگر، شیوه حکمرانی نامتوازن و نامساوی است و او از قدرت خویش

برای گسترش مبانی فرهنگی پذیرفته شده عموم و تضعیف و مقابله با تهدیدات فرهنگی استفاده می‌کند. ارزش‌ها و باورها و گفتمان ایشان نیز مبتنی بر اسلام شیعی، جمهوریت، آزادی، امنیت و ... است. در قالب تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف پرکتیس گفتمانی درگیر دو بافت موقعیتی و بافت بینامتنی است که در پی پاسخ به چندین پرسش مشخص می‌شود:

❖ بافت موقعیت

۱. ماجرا چیست؟ در بررسی متن گفتاری آیت‌الله خامنه‌ای موضوع اصلی شامل مسئله حجاب و اهمیت آن در جامعه اسلامی و استفاده از ابزارهای فقهی و قانونی در مقابله با مخاطرات کشف حجاب است. گوینده بر اساس موقعیت شخصی خود که از مجتهدین است، حجاب را یک الزام شرعی و قانونی می‌داند و اشاره می‌کند کسانی که از حجاب چشم‌پوشی می‌کنند، اغلب از پشت پرده‌های این مسئله بی‌خبر هستند؛

۲. چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ متن همواره در تعامل بین مولد متن و مخاطب در حرکت است. مولد متن حاضر یک رهبر سیاسی که دارای شئوناتی چون عالم دینی، یک سیاستمدار و یک فعال اجتماعی است و مخاطب متن مردم و بخشی از جامعه که کشف حجاب نموده‌اند؛

۳. روابط میان آن‌ها چیست؟ با توجه به متن و زمینه‌ها، گوینده متن در موقعیت قدرتمندتر و سخنگویی برای دفاع از شعائر اسلامی است، اما کسانی که حجاب را کشف می‌کنند، به‌عنوان افرادی تصویر می‌شوند که از واقعیت‌های مربوط به حجاب بی‌خبر هستند.

❖ بافت بینامتنی، پیش‌فرض‌ها و کنش گفتاری متن

برای تحلیل بافت بینامتنی و همچنین واری‌های پیش‌فرض‌ها و کنش گفتاری متن با اکتفا به روند بررسی فرکلاف در پی پاسخ به پرسش‌های مطرح در این بخش می‌پردازیم:

۱. آبخور کنش گفتارهای مندرج در متن از چه متون و ساختارهایی است؟ و در پی ایجاد و یا بازتولید چه ساختار و روابطی با سایر بازیگران است؟ متن بر پایه متون قرآنی، حدیثی و فقهی و قانونی استوار است که توانایی تولید واژگانی چون حرام سیاسی را به‌عنوان یک الزام دینی و قانونی را دارد؛

۲. در جان‌مایه و پیش‌فرض‌های موجود در متن چه نوع بازنمایی از جهان طبیعی، جهان اجتماعی و مفاهیم و اشیا وجود دارد؟ به‌طور کلی می‌توان گفت اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای یک اندیشه جامع و کامل است که در برگزیده مباحث مختلف فقهی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و دفاعی است و بر اساس همین رویکرد چشم‌انداز و پیش‌فرض‌های خاصی را نسبت به موضوع حرام سیاسی و متن اراده شده به نمایش می‌گذارد و زمینه و بافت فکری ایشان نشئت گرفته از این گفتمان‌های زمینه‌ای است. ایشان با توجه به شرایط و مسائل موجود، گفتمان‌های مختلفی را در راستای تحقق اهداف متن و همچنین تبیین حرام سیاسی و حرام شرعی شکل داده‌اند. این گفتمان‌ها با یکدیگر هم‌سو و هم‌دل هستند و از یک ایدئولوژی اسلامی و ملی نشئت می‌گیرند.

برخی از این گفتمان‌ها عبارت‌اند از:

۱. گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی

گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی را می‌توان به‌عنوان یکی از بافت‌های زمینه‌ای و فکری آیت‌الله خامنه‌ای در متن مورد بررسی دانست. ایشان به‌عنوان فقیهی اندیشمند، متناسب با مبانی، غایات و انتظارات روز آمد از فقه و فقه سیاسی، گستره وسیعی از موضوعات، مسائل و کارکردها را برای فقه سیاسی ارائه کرده است که بر اساس مفهوم فقه سیاسی، به بخشی از فقه که به امور سیاسی می‌پردازد محدود نمی‌شود، بلکه به بابی از باب فقه اطلاق می‌شود که اداره زندگی مردم را مد نظر قرار داده و فقه اداره جامعه سیاسی محسوب می‌شود. فقه و گفتمان فقهی ایشان قلمرویی فراتر از فهم احکام یافته و شامل فهم دین مشتمل بر عقاید، احکام و اخلاق می‌شود. لذا در نگرش ایشان فقه سیاسی (به‌مثابه بخشی از فقه) به احکام و رفتارهای سیاسی اختصاص نداشته بلکه مشتمل بر احکام، باورهای سیاسی و اخلاق سیاسی خواهد بود (ایزدهی، ۹۶). از این رو در اندیشه ایشان توانایی و مشروعیت ایجاد قاعده فقهی سیاسی به نام حرام سیاسی وجود دارد. چرا که همان‌طور که گفته شد گفتمان فقهی مدنظر ایشان مسئول اداره زندگی مردم و جامعه سیاسی است و قلمروی فقه را نیز دخیل در این موارد می‌داند. قلمروی فقه سیاسی مدنظر در قرائت ایشان، ضمن تحفظ بر مسائل فردی گستره فقه سیاسی از نظر ایشان رویکرد اجتماعی - سیاسی بیشتری یافته و نگرش حکومتی نیز پیدا می‌کند.

آیت‌الله خامنه‌ای پیرو پذیرش گفتمان اسلام فقاهتی - سیاسی طی سخنرانی خود اشاره به دیدگاه حداکثری نسبت به فقه و قواعد فقهی می‌کند: «انسان از قبل از ولادت تا بعد از ممات، احوالی دارد و این احوال شامل احوال فردی و زندگی شخصی اوست و نیز شامل احوال اجتماعی زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و بقیه شئون اوست. تکلیف و سرنوشت همه این‌ها در فقه معلوم می‌شود. فقه به این معنا مورد نظر ماست که اسمش همان احکام فرعی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۶/۳۱).

لازم به ذکر است به صورت دقیق‌تر اگر بخواهیم دیدگاه فقهی و همچنین منبع فکری ابداع واژه‌هایی چون حرام سیاسی را بشناسیم بهتر از رویکرد فقه حکومتی نام ببریم که در آن مطابق این نگرش، در مباحث فقهی و بیان افعال مکلفان، می‌بایست انسان‌ها به‌عنوان فردی از شهروندان حکومت اسلامی در نظر گرفته شوند، نه به‌عنوان مکلفی جدا از اجتماع و حکومت. لذا فقه حکومتی نه به‌عنوان بخشی از فقه، بلکه به معنای نگرش حاکم بر کل فقه بوده و استنباط‌های فقهی می‌بایست بر اساس فقه اداره نظام سیاسی بوده و تمامی ابواب فقه ناظر به اداره کشور باشد. گستره‌ای که در فقه حکومتی مورد بحث قرار می‌گیرد، نه مباحث سیاسی، بلکه تمامی ابواب و مسائل فقه خواهد بود؛ زیرا حکومت، شئون و زوایای مختلفی داشته و فقیه می‌بایست همه آن مسائل را بنابر رفع نیازهای حکومت مورد بررسی قرار دهد. آنچه فقه حکومتی را از فقه سیاسی و فقه عمومی متمایز می‌کند و به‌عنوان یک نحله یا رویکرد فقهی تجدیدنظرطلبانه فقه سیاسی معرفی می‌کند به این دلیل است: اولاً، فقه سیاسی به مباحث حکومت اختصاص نداشته و مصادیق غیرحکومتی بسیاری می‌تواند داشته باشد. لذا فقه سیاسی گرچه در زمان حاکمیت سیاسی شیعه مصادیق بیشتری یافته، اما از زمان‌های دور و حاکمیت حاکمان جائز نیز در فقه شیعه وجود داشته است. ثانیاً، فقه سیاسی، بخشی از ابواب و مسائل فقه که به موضوعات سیاسی عنایت دارد را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد در حالی که در فقه حکومتی همه مباحث و موضوعات مورد نیاز جامعه (البته با محوریت حکومت) مورد استنباط قرار می‌گیرند. ثالثاً، گرچه فقه حکومتی، گستره‌ای به شمول و توسعه فقه عمومی دارد؛ اما آنچه فقه حکومتی را از فقه رایج متمایز می‌کند این است که فقه حکومتی، استنباط احکام الهی در همه شئون یک حکومت و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی و ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام در کیفیت مطلوب اداره نظام سیاسی

خواهد بود. آیت‌الله خامنه‌ای که از داعیه‌داران حوزه فقه حکومتی بوده و در سخنان خود، بر ضرورت این‌گونه نگرش در فقه تأکید کرده‌اند، ضمن این‌که گستره فقه را نسبت به همه ابواب فقه تعمیم می‌دهند، بر اهتمام فقیهان بر استنباط فقهی مطابق این نگرش تأکید کرده و تفاوت و تأثیری که این نگرش می‌تواند در نوع فتاوایی که از سوی فقیه صادر می‌شود را خاطر نشان کرده‌اند: «فقه ما از طهارت تا دیات، باید ناظر به اداره یک کشور، اداره یک جامعه و اداره یک نظام باشد. شما حتی در باب طهارت هم که راجع به ماء مطلق یا فرضاً ماء الحمام فکر می‌کنید، باید توجه داشته باشید که این در یک‌جا از اداره زندگی این جامعه، تأثیری خواهد داشت تا برسد به ابواب معاملات و ابواب احکام عامه و احوال شخصی و بقیه ابوابی که وجود دارد. بایستی همه این‌ها را به‌عنوان جزئی از مجموعه اداره یک کشور استنباط کنیم. این در استنباط اثر خواهد گذاشت و گاهی تغییرات ژرفی را به وجود خواهد آورد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۶/۳۱).

با توجه به نکات گفته شده پیرامون تمایز فقه اسلام فقاهتی و فقه حکومتی، دلیل عدم پذیرش بحث گفتمانی فقه حکومتی نسبت به گفتمان فقه سیاسی این است که رویکردی جدا از فقه سیاسی نیست بلکه مبانی فقه سیاسی که همان نگاه حداکثری به دین و همچنین منابع فقهی که در فقه سیاسی است را می‌پذیرد و از این منابع عبور نکرده از همین رو نمی‌توان قائل به یک گفتمان خاص به نام گفتمان فقه حکومتی شد بلکه تمام تمایزاتی که بیان شد، نوعی تفسیر از فقه سیاسی است و نکته دیگر اینکه فقه حکومتی هنوز نتوانسته به‌عنوان گفتمانی مستقل از گفتمان فقه سیاسی به بازتعریف خود و ایجاد فضای گفتمانی دست بزند، چرا که برای پذیرش این امر باید در بحث گفتمان برای اینکه کنشی تبدیل به گفتمان شود علاوه بر نیاز به تمام وجوه گفتمانی نیاز به دو عامل در دسترس بودن گفتمان و اعتبار نیز هست (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱). به همین دلیل مسئله فقه حکومتی هنوز نتوانسته به مرحله تبیین گفتمانی برسد. البته این نظریه مختار نویسنده است که می‌تواند به‌عنوان موضوعی پژوهشی مورد نقد و بررسی قرار گیرد. با این حال نگارنده معتقد است که گفتمان تأثیرگذار گفتمان اسلام فقاهتی- سیاسی است که آیت‌الله خامنه‌ای برای بیان دیدگاه‌ها از آن استفاده می‌کند و اما رویکرد فقه ایشان فقه حکومتی است که هنوز مستقل از گفتمان فقه سیاسی نیست.

۲. گفتمان جمهوریت

این گفتمان نیز یکی دیگر از مبانی فکری آیت‌الله خامنه‌ای است. با این توضیح ابتدا جمهوریت را در نگاه ایشان بازنشاسایی می‌کنیم؛ قانون‌گرایی، حقوق اساسی، حقوق شهروندی و آزادی ریشه در تجددگرایی به معنی مفاهیم جدیدی که جامعه ایران بعد از مشروطه با آن روبه‌رو شد نهایتاً در گفتمان جمهوریت معنا پیدا کردند. گفتمان جمهوریت ریشه در قانون‌گرایی دارد و با گفتمان مشروطیت ایران در پیوند استوار است. همواره در طول دوران حیات سیاسی ایرانی با آن همراه بوده و نشانه فرعی آزادی‌خواهی، مهم‌ترین عامل هویت‌بخشی گفتمان مذکور در تقابل با گفتمان دشمن و مخالف آن یعنی استبدادطلبی بود و برای اولین بار در سپهر ایران معنا یافتند (مدیر شانه‌چی و سلیمان‌پور، ۱۳۹۴). در برخی از سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای، تأکید بر مسئله قانون‌مداری که یکی از دال‌های گفتمان جمهوریت است قابل مشاهده می‌باشد و ایشان یکی از ادله‌های وجودی حرام سیاسی و شرعی را قانون‌مداری می‌دانند: «مسئله پوشش، خب‌بله، مسئله حجاب محدودیت شرعی و قانونی است؛ آنجا محدودیت دولتی نیست، قانونی است و شرعی است؛ کشف حجاب، حرام شرعی و حرام سیاسی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۰۱/۱۵).

بخش دیگر توجه به امر مسئولیت‌پذیری مردم در قبال حکومت است و تبیین این موضوع که این دسیسه دشمن است توجه به گفتمان جمهوریت را دارد: «خیلی از کسانی که کشف حجاب می‌کنند نمی‌دانند این را؛ اگر بدانند که پشت این کاری که این‌ها دارند می‌کنند چه کسانی هستند، قطعاً نمی‌کنند؛ من میدانم. خیلی از این‌ها کسانی هستند که اهل دینند، اهل تضرع‌اند، اهل ماه رمضانند، اهل گریه و دعایند، [متنها] توجه ندارند که چه کسی پشت این سیاست رفع حجاب و مبارزه با حجاب است. جاسوس‌های دشمن، دستگاه‌های جاسوسی دشمن، دنبال این قضیه هستند. اگر بدانند، حتماً نمی‌کنند. به هر حال، این مسئله قطعاً حل خواهد شد.» در این بخش سخنرانی با تکیه بر جایگاه قانون و همچنین وجود یک دشمن که به دنبال ضربه زدن به امنیت جامعه است نیز توجه به دو دال مهم دیگر نیز در بردارد؛ اول، موضوع امنیت و دوم، موضوع هویت ملی (در آنجایی که اشاره به اصالت حجاب در جامعه و راه نفوذ دشمن در مقابله با حجاب را مطرح می‌کند دقیقاً دفاع از هویت ملی نیز در آن مشهود است).

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای که متن متأثر از آن است موضوع منافع ملی است که از منظر ایشان این موضوع باید اهمیت و جایگاه خاصی در تصمیم‌گیری‌های مسئولان داشته باشد و در برخی سخنرانی‌های خود به‌عنوان یکی از وظایف مهم و خطیر، بحث امنیت و منافع ملی را مدنظر قرار می‌دهند: «ملاک تصمیم‌گیری برای دولت‌ها تأمین منافع ملی است حالا چه منافع کوتاه‌مدت چه منافع بلندمدت» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۳/۲۲). ایشان آحاد ملت و مسئولان را در برابر منافع ملی مسئول دانسته و لزوم حفظ آن توسط مردم نیروهای مسلح و مسئولان را یادآور می‌شوند. «ما روی منافع کشور و ملتمان با هیچ‌کس در دنیا معامله نمی‌کنیم ما ملت ایران در چهار دیواری کشور خودمان هر دستی که به سمت منافع ما چه منافع علمی چه منافع، طبیعی چه منافع انسانی و چه منافع فناوری به تجاوز دراز شود بی‌درنگ آن را قطع خواهیم کرد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۴/۱۵).

یکی از جنبه‌های مهم بحث موضوع حرام سیاسی و آزادی است که در متن چیزی راجع به آن نیامده اما به نظر می‌رسد برای روشن شدن موضوع حرام سیاسی و شرعی، پرداختن به این موضوع حساس و مهم می‌تواند جلوه‌های دیگری از وجوه حرام سیاسی را در ابعاد اجتماعی روشن کند و مراد گوینده و نسبت آن را مشخص سازد.

بررسی مواضع گفتمانی آیت‌الله خامنه‌ای در نسبت حرام سیاسی و آزادی می‌تواند بدین‌صورت باشد؛ آزادی به‌عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین در دیدگاه ایشان است که برآمده از منش اسلامی و جمهوریت خواهی ایشان است. منظور از ارزش در آزادی، ارزش‌های اساسی است؛ ارزش‌های اساسی خطوط قرمز زندگی ما را تشکیل می‌دهند. این ارزش‌ها، اصول و باورها هدایتگر نظام سیاسی و اجتماعی هستند (افتخاری، ۱۳۸۰). آزادی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، ریشه توحیدی دارد. بر این اساس، آیت‌الله خامنه‌ای یکی از محدوده‌های آزادی سیاسی را اسلامیت می‌دانند و تصریح می‌کنند که آزادی در چهارچوب قوانین الهی پذیرفته است و فراتر از آن در قاعده فقهی مشمول فرض غیر از حلال در احکام فقهی می‌شود و از آنجایی که ترک فعلی اتفاق افتاده به طبع آن امر حرام سیاسی است. می‌توان گفت حرام سیاسی دقیقاً نقطه پایان ابعاد آزادی‌های اجتماعی و سیاسی می‌باشد: «اسلام معتقد است که آزادی‌های مردم باید در چهارچوب مقررات و ضوابط اسلامی باشد. شما آزاد نیستید در جامعه آن چنان که اخلاق و عفت عمومی لطمه وارد می‌کند، فساد و رهایی جنسی داشته

باشید. اسلام این را اجازه نمی‌دهد؛ اسلام اجازه نمی‌دهد که در جامعه اسلامی کسانی که معتقد به نظام اسلامی نیستند بنشینند افکار را و افکار ساده را منحرف کنند، بله ما با این آزادی مخالفیم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۱/۰۶/۰۱)؛ (علی‌پور گرجی، ۱۳۹۰).

در نهایت، با توجه به مرحله تفسیر، می‌توان گفت که متن منعکس‌کننده یک دیدگاه قوی دینی است که حجاب را به‌عنوان یک الزام شرعی و قانونی می‌بیند و عدم رعایت آن نتیجه نادانی یا تأثیر جاسوسی دشمن است که نتیجه آن به یک اقدام به نام حرام سیاسی ختم می‌شود که هم آثار دنیوی در بر خواهد داشت و هم آثار اخروی. قبل از ورود به تبیین گفتمان‌های مورد استفاده در متن باید به چند نکته توجه نمود:

با توجه مرحله پراکنش گفتمانی پیرامون موضوع حرام سیاسی که تا بدین جا مورد بحث قرار گرفت، مشخص می‌گردد که حرام سیاسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای بر اساس اصول و مقاصد شرعی و منافع ملی و اسلامی تعریف می‌شود و به‌عنوان یک معیار ارزشی و قانونی برای سنجش و ارزیابی رفتارها و گفتارها عمل می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای با تبیین حرام سیاسی، می‌خواهند نظام جمهوری اسلامی را از چالش‌ها و تهدیدهای داخلی و خارجی محافظت کنند و مردم و مسئولان را به انجام وظایف و مسئولیت‌های خود تشویق کنند. ایشان با توجه به شرایط و مسائل موجود، گفتمان‌های مختلفی را در راستای تحقق اهداف و مقاصد اسلامی و ملی شکل داده‌اند. این گفتمان‌ها با یکدیگر هم‌سو و هم‌دل هستند و از یک گفتمان اسلامی و ملی نشئت می‌گیرند.

خلاصه مرحله تفسیر انتقادی متن گفتاری ۱۴۰۲/۰۱/۱۵ را می‌توان بدین‌صورت شکل‌بندی نمود که در این سطح تفسیر، بافت گفتمان مورد بررسی قرار گرفت و عواملی مانند منظور، موضوع، شرایط، شناسنامه، انتظارات و نگرش‌های گوینده و شنونده تحلیل شدند و گفتمان‌های تأثیرگذار بر متن و بافت‌های پنهان در متن مورد توجه قرار گرفت؛ نشان دادیم که ایشان از نقش‌های گفتمانی مختلفی برای بیان نظرات خود استفاده می‌کند. از نقش گفتاردهنده برای بیان نظرات خود و از نقش گفتار گیرنده برای بیان نظرات دشمنان استفاده می‌کند. در مرحله تفسیر بینامتنی گفتمان نیز باید توجه شود که، ارتباط آن با متون دیگر است و می‌تواند متون متقدم یا متعاقب باشند. متون متقدم، متونی هستند که گفتمان‌ساز از آن‌ها نقل قول می‌کند یا به آن‌ها اشاره می‌کند. متون متعاقب، متونی هستند که از گفتمان نقل قول می‌کنند یا

به آن اشاره می‌کنند. برای مثال، متون متقدم در گفتمان حرام سیاسی می‌توانند قرآن، حدیث، فتوهای مراجع تقلید، قانون اساسی و قوانین کشور و دیدگاه امام خمینی^(ع) باشند. متون متعاقب می‌توانند خبرگزاری‌ها، رسانه‌ها، نظریه‌پردازان، فعالان حقوق بشر و دیگران باشند.

مرحله تبیین

در مرحله سوم فرکلاف به پرکتیس اجتماعی پرداخته می‌شود. در سطح تبیین، ساختار اجتماعی گفتمان مورد توجه است و رابطه بین گفتمان، قدرت و هویت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این سطح، باید تأثیر دوسویه متن و ساختار اجتماعی را مورد بررسی قرار داد (صادقی فسایی و همکاران، ۱۳۹۳). منظور فرکلاف از ساختارهای اجتماعی شکل‌دهنده گفتمان، مناسبات قدرت است و هدف از فرایندهای اجتماعی به مبارزات اجتماعی مربوط است. به‌طور کلی در تبیین محقق، گفتمان را به‌عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در مناسبات قدرت می‌بیند. فرکلاف در مرحله تبیین اضافه می‌کند که تأثیرات اجتماعی گفتمان و عوامل اجتماعی تعیین‌کننده گفتمان می‌بایست در سه سطح اجتماعی، نهادی و موقعیتی تحقیق و بررسی شوند.

ساختار و عوامل اجتماعی مؤثر بر گفتمان و متن چیست؟ در مرحله تبیین آیت‌الله خامنه‌ای با بهره‌گیری از حرام سیاسی به‌عنوان یک راهبرد زبانی برای توصیف و تفسیر رفتارهایی که با هویت و منافع نظام جمهوری اسلامی در تضاد هستند، به کار می‌برد. گفتمان حاکم برای حفظ هژمونی خود، از اصطلاحات شرعی و دینی استفاده می‌کند و رفتارهای مخالف را به‌عنوان حرام و غیرشرعی محکوم می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای از متن گفتاری برای تقویت و تحکیم ساختارهای اجتماعی و فرهنگی مورد پذیرش خود که همان ساختار اجتماعی با رویکرد حیات طیبه است می‌پردازد که در آن توجه به مذهب و شعائر مذهبی جایگاه رفیع دارد؛ اما این ساختار همیشه در معرض تهدید و تغییر است، چرا که عناصر مفصل‌بندی می‌توانند در گفتمان‌های دیگری به کار روند و معنای دیگری پیدا کنند؛ بنابراین، گفتمان حاکم برای حفظ هژمونی خود، باید از گفتمان خود دفاع کند و عناصر مفصل‌بندی را به نفع خود تفسیر کند. حرام سیاسی یکی از عناصر مفصل‌بندی است که گفتمان حاکم برای توجیه و تثبیت سیاست‌های خود، به کار می‌برد. این عنصر از ادغام دو مفهوم حرام شرعی و سیاست

پدید آمده است. حرام شرعی به معنای رفتاری است که با احکام دینی و شرعی در تضاد است و موجب گناه و عذاب در دنیا و آخرت می‌شود. سیاست به معنای فعالیت‌هایی است که برای حفظ و تقویت قدرت و منافع یک گروه یا نهاد، انجام می‌شود. حرام سیاسی به معنای رفتاری است که نه تنها با احکام شرعی، بلکه با منافع و هویت نظام جمهوری اسلامی نیز در تضاد است و موجب ضربه زدن به قدرت و امنیت آن می‌شود؛ بنابراین، حرام سیاسی یک مفهوم مفصل‌بندی است که برای توصیف و تفسیر رفتارهایی که با هویت و منافع نظام جمهوری اسلامی در تضاد هستند، به کار می‌رود. سخنرانی بر اساس شیوه تبیینی در پی تغییراتی در نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی است. برای مثال، سخنرانی در مورد حجاب می‌تواند تأثیرات مثبتی بر نگرش جامعه نسبت به حجاب داشته باشد. یا استفاده از حرام شرعی و سیاسی نیز ایجاد حذر و ترس بر ساختارهای اجتماعی است.

کدام عناصر و ایدئولوژی‌ها از دانش زمینه‌ای گفتمان بر ماهیت و نحوه مفصل‌بندی گفتمان و متون گفتمانی آن تأثیر گذارده بوده است؟ همان‌طور که قبلاً در مرحله دوم یعنی تفسیر اشاره گردید متن سخنرانی متأثر از گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی و همچنین گفتمان جمهوریت و با عناصری چون آزادی، امنیت، منافع ملی و هویتی در ارتباط است.

گفتمان و متون گفتمانی چه تأثیراتی بر ساختارها و تشکل گفتمانی عصر خود داشته است؟ (فرکلاف، ۱۳۷۹). در مرحله تفسیری متوجه شدیم که مؤلفه حرام سیاسی و به تبع آن گفتمان حاکم بر متن، یک گفتمان تأثیرگذاری است که هدف آن تغییر رفتار و انتخاب مخاطبان در مورد مسائل سیاسی است. این گفتمان، از مبنای شرعی و قانونی برای توجیه و تبیین دیدگاه خود استفاده می‌کند و از مخاطبان خواستار پیروی از آن است. مقصد گفتمان، حفظ و تقویت حکومت اسلامی و مقابله با چالش‌های داخلی و خارجی است. مخاطبان گفتمان، مردم ایران، به‌ویژه جوانان، زنان، روشنفکران، فعالان سیاسی و اجتماعی، رسانه‌ها و نهادهای مدنی هستند که ممکن است دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند. هدف متن در قالب گفتمانی در پی تضعیف و مقابله با جنبش‌های اعتراضی، اصلاح‌طلبی، مدرنیته‌خواهی، غرب‌گرایی، آزادی‌خواهی و دیگر گرایش‌های مخالف حکومتی است. منظور گفتمان، نشان دادن اینکه هرگونه انحراف از گفتمان حاکم، حرام و گناه است و به معنای خیانت به اسلام و انقلاب و همکاری با دشمنان است. در موضوع نقش گفتمان‌ساز، مقامات حکومتی، به‌ویژه

آیت‌الله خامنه‌ای، روحانیون، نمایندگان مجلس، قضات، مسئولان نظامی و امنیتی و رسانه‌های وابسته به حکومت هستند که از مقام برتر قدرت و مرجعیت برخوردار هستند. وضعیت گفتمان‌ساز، یک وضعیت دو طرفه تعاملی است که فرصتی برای پاسخگویی و انتقاد مخاطبان در سطح جامعه بر مبنای گفت‌وگویی و اقناعی وجود دارد و از همین جهت ادله‌هایی را آیت‌الله خامنه‌ای بیان می‌کنند. روابط قدرت در گفتمان بدین صورت است که، گفتمان‌ساز از قدرت خود برای تحکیم و تثبیت گفتمان اسلام فقاهتی و تضعیف و تبعیض گفتمان‌های مخالف استفاده می‌کند. گفتمان اسلام فقاهتی که از منابع شرعی و قانونی برای تبیین و توجیه دیدگاه خود بهره می‌برد و گفتمان متخاصم دارای ایدئولوژی‌های غرب‌گرایی و آزادی‌خواهی هستند که از منابع حقوق بشر و جهانی شدن برای تبیین و توجیه دیدگاه خود بهره می‌برند.

در انتها با توجه به تفسیر انتقادی حرام سیاسی و پی بردن به پرکنیس زبانی، اجتماعی و گفتمانی پیرامون حرام سیاسی، می‌توان گفت که در ساحت اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای حرام سیاسی به معنای انجام کارها و گفتارهایی است که با اصول و مقاصد شرعی و منافع ملی و اسلامی مغایرت داشته باشد و به نحوی نظام جمهوری اسلامی را ضعیف و آسیب‌پذیر کند. از حرام سیاسی به‌عنوان یک مکانیسم اخلاقی و قانونی برای حفظ و تقویت نظام جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند با توجه به زمینه‌ها و بافت‌ها می‌توان مصادیق دیگری را نیز علاوه بر کشف حجاب پیرامون حرام سیاسی اشاره نمود؛ البته نسبت موضوعات مطرح با بحث حرام سیاسی از حوصله این پژوهش بیرون است و از همین جهت فقط اشاره‌ای به آن‌ها می‌شود تا زمینه تحقیقات دیگر را نیز پدید آورد:

- ❖ انتشار شایعات و افترا درباره نظام و مسئولان (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۸/۰۸)؛
- ❖ ترویج ناامیدی و بی‌اعتمادی به نظام و مردم (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)؛
- ❖ تقلید از روش‌های غربی و آمریکایی در سیاست و فرهنگ (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۰۵/۳۱)؛
- ❖ تحریف و تفسیر اشتباه از احکام شرعی و مقاصد اسلامی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۳/۱۴)؛
- ❖ تخریب و تضعیف وحدت و همدلی ملی و اسلامی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۲/۲۲)؛

- ❖ تحریک و تشویش افکار عمومی و ایجاد اختلاف و انشقاق (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۴/۱۵)؛
- ❖ تجاوز و تعرض به حرمت و احترام مسئولان و مراجع (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۹/۲۷)؛
- ❖ تقویت و حمایت از دشمنان و مخالفان نظام (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۰۱/۰۱)؛
- ❖ کشف حجاب و انحراف اخلاقی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۰۱/۱۵).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر که با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در پی واکاوی مفهوم حرام سیاسی در سخنرانی ۱۴۰۲/۰۱/۱۵ آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشد، متن سخنرانی در سه حوزه توصیف، تفسیر و تبیین مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. داده‌های به دست آمده نشان می‌دهد که حرام سیاسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، یک مفهوم و موضوعی است که با استفاده از راهبردهای زبانی و گفتمانی به مخاطبین انتقال داده می‌شود. این مفهوم بر اساس اصول و مقاصد شرعی و منافع ملی و اسلامی تعریف می‌شود و به‌عنوان یک مکانیسم اخلاقی و قانونی برای حفظ و تقویت نظام جمهوری اسلامی عمل می‌کند. این مفهوم از طریق استفاده از کلمات و عبارات خاص به مخاطبین انتقال داده می‌شود و در این راه، از استعاره‌ها، ساخت‌های گرامری و ساخت‌های متنی استفاده می‌شود. در نهایت، بر اساس این تحلیل، می‌توان گفت که حرام سیاسی در اندیشه ایشان یک گفتمان انتقادی است که با گفتمان‌های دیگر مانند گفتمان اسلام فقهاتی یا شیعی، جمهوریت و به تبع آن با دال‌هایی چون مردم‌سالاری دینی، امر به معروف و نهی از منکر، تعامل مردم با دولت و نظام حاکم، نظارت و آزادی مرتبط است و همچنین از این مفهوم‌سازی برای مقابله با چالش‌ها و تهدیدهای داخلی و خارجی استفاده می‌شود که خود این امر موجب بازتولید امنیت نیز می‌شود. در سطور بالا نشان داده شده مفهوم حرام سیاسی با موضوعاتی مانند نگاه فقهاتی علما، مفهوم آزادی، امنیت و هویت ملی چه نسبتی دارد و در انتها با بهره‌گیری از سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین به مصداق‌های دیگری از حرام سیاسی دست یافتیم.

فهرست منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۱). نقد و ارزیابی تحلیل گفتمانی لاکلا و کاربرد آن در سیاست، فصلنامه سیاست، سال چهل دوم، شماره ۴.
- افتخاری، اصغر؛ تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱). درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان.
- ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۹۴). ماهیت فقه سیاسی، مجله علمی و پژوهشی حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۴.
- ایزدی، پیروز (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی در عمل: توصیف کتاب تحلیل انتقادی فرکلاف، چاپ اول، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۶). تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات، مجله علمی پژوهشی ادب پژوهی، دوره یکم، شماره ۱.
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۶). سیاست چیست، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره چهارم، شماره ۱۴.
- حقیقت، سیدصادق (۱۴۰۱). اعتبار محدود فقه سیاسی، آینه پژوهش، سال سی و سوم، شماره ۲.
- حیدری بهنوئی، عباس (۱۳۹۴). فهم خوانش فقهای معاصر از فقه سیاست: مطالعه مرتضی انصاری، نائینی، امام خمینی، پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره ۷.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- دهقان، رحیم (۱۳۹۸). اخلاق امید؛ الزامات و پیامدهای امید صادقانه با نظر به بیانیه گام دوم، مجموعه مقالات گام دوم انقلاب، دوره یک، شماره ۱.
- ذاکری، علی‌اکبر (۱۳۷۶). دیدگاه فقهی شهید صدر، مجله حوزه، شماره ۷۹ و ۸۰.
- شمس، محمود (۱۳۹۲). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ پنجم، تهران، نشر امید انقلاب.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ روزخوش، محمد (۱۳۹۳). نگاهی تحلیلی و روش‌شناختی به تحلیل گفتمان، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هفتم، شماره ۴.
- طباطبایی، جواد (۱۳۸۷). زوال اندیشه سیاسی در ایران، چاپ هشتم، تهران، کویر.
- عباسی، ولی‌الله (۱۳۸۳). نظریه دین‌حاکمتری، مجله علمی پژوهشی قسبات، سال بیست و دوم، شماره ۳۰ و ۳۱.

- علی پور گرجی، محمود (۱۳۹۰). بررسی آزادی در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۷.
 - فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان، فاطمه شایسته پیران، تهران، طبع و نشر.
 - فرکلاف، نورمن (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان انتقادی، روح الله قاسمی، تهران، اندیشه احسان.
 - محمص، مرضیه و دیگران (۱۳۹۴). علامه محمد حسین فضل الله و اندیشه همزیستی اجتماعی در تفسیر آیات قرآن، فصلنامه علمی و پژوهشی تحقیقات علوم قرآن حدیث دانشگاه الزهراء، سال دوازدهم، شماره ۱.
 - مدیر شانه چی، محسن؛ سلیمان پور، علی (۱۳۹۴). درآمدی بر قانون‌گرایی و آزادی‌خواهی در گفتمان مشروطیت، رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۳۳، زمستان، صص ۲۷-۴۶.
 - مشکانی، عباسعلی؛ مشکانی، عبدالحسین (۱۳۹۰). پارادایم فقه حکومتی، مجله معرفت، سال بیستم، شماره .
 - مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار شهید مطهری، چاپ سیزدهم، تهران، صدرا.
 - هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۹۵). فرهنگ فقه مذهب اهل بیت، چاپ اول. تهران، موسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
- Blommaert, Jan (2005) Discourse: A Critical Introduction. Cambridge and New York: Cambridge University Press.
 - Fairclough, Isabela and Fairclough, Norman (2012) Political Discourse Analysis: A Method for Advanced Students. London and New York: Routledge.
 - Fairclough, Norman (2005) Critical Discourse Analysis in Transdisciplinary Research. In Ruth Wodak, and Paul Chilton. A New Agenda in (Critical) Discourse Analysis. Amsterdam / Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.